



## شماره شصت: ۳۱۶۱

بسم الله الرحمن الرحيم

فهرست مطالب:

۲	نمیمه
۲	مرور گذشته
۲	روایت سوم:
۲	روایت چهارم
۳	روایت پنجم
۳	روایت ششم
۴	روایت هفتم
۴	روایت هشتم:
۴	روایت نهم
۵	روایات مستدرک
۵	روایت دوازدهم وسائل
۶	دسته‌بندی روایات این باب
۶	جمع‌بندی
۶	فروعات بحث
۶	فرع اول: لغات مترادف نمیمه در زبان عرب
۶	فرع دوم
۷	فرع سوم
۷	فرع چهارم
۸	فرع پنجم
۸	فرع ششم



## شماره شصت: ۳۱۶۱

### نمیه

### مرور گذشته

بحث در مورد نمیه بود. ادله عقلی و آیات و ادله عامه را بررسی کردیم. بعد از این ادله، به بررسی اخبار و روایات پرداختیم. روایت اول و دوم را مورد بررسی قرار دادیم. روایات دیگر نکته‌ی خاصی ندارند و فقط از آن‌ها عبور می‌کنم.

### روایت سوم:

این روایت چهارم باب ۱۶۴ است.

«مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ فِي الْمَجَالِسِ وَالْأَخْبَارِ يَأْتِيهِ عَنْ أَبِي ذَرٍّ عَنِ النَّبِيِّ ص فِي وَصِيَّتِهِ لَهُ قَالَ: يَا أَبَا ذَرٍّ لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ الْقَتَاتُ قُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ- مَا الْقَتَاتُ قَالَ النَّمَامُ يَا أَبَا ذَرٍّ- صَاحِبُ النَّمِيمَةِ لَا يَسْتَرِيحُ مِنْ عَذَابِ اللَّهِ فِي الْآخِرَةِ يَا أَبَا ذَرٍّ مَنْ كَانَ ذَا وَجْهَيْنِ وَ لِسَانَيْنِ فِي الدُّنْيَا فَهُوَ ذُو وَجْهَيْنِ - فِي النَّارِ يَا أَبَا ذَرٍّ الْمَجَالِسُ بِالْأَمَانَةِ وَ إِفْشَاؤُكَ سِرَّ أَخِيكَ خِيَانَةٌ (فَاجْتَنِبْ ذَلِكَ وَ اجْتَنِبْ مَجْلِسَ الْعَثْرَةِ)»<sup>۱</sup>

### روایت چهارم

روایت پنجم باب ۱۶۴ است.

«مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ فِي عِقَابِ الْأَعْمَالِ وَ فِي الْأَمَالِي عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ يَزِيدَ عَنْ حَفْصِ بْنِ غِيَاثٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ آبَائِهِ عَنْ عَلِيٍّ ع قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص أَرْبَعَةٌ يُؤْذُونَ أَهْلَ النَّارِ عَلَى مَا بِهِمْ مِنَ الْأَذَى يَسْقُونَ مِنَ الْحَمِيمِ وَ الْجَحِيمِ يَنَادُونَ بِالْوَيْلِ وَ الثُّبُورِ يَقُولُ أَهْلُ النَّارِ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ مَا بَالُ هَؤُلَاءِ الْأَرْبَعَةِ قَدْ آذَوْنَا عَلَى مَا بَنَا مِنَ الْأَذَى فَرَجُلٌ مُعَلَّقٌ عَلَيْهِ تَابُوتٌ مِنْ جَمْرٍ وَ رَجُلٌ يَجْرُ أَمْعَاءَهُ وَ رَجُلٌ يَسِيلُ فُوهَهُ قَيْحًا وَ دَمًا وَ رَجُلٌ يَأْكُلُ لَحْمَهُ فَيَقَالُ لِصَاحِبِ التَّابُوتِ مَا بَالُ الْأَبْعَدِ قَدْ آذَانَا عَلَى مَا بَنَا مِنَ الْأَذَى فَيَقُولُ إِنَّ الْأَبْعَدَ مَاتَ وَ فِي

<sup>۱</sup>- وسائل الشيعه، ج ۱۲، ص ۳۰۶.



## شماره شصت: ۳۱۶۱

عُنْفِهِ أَمْوَالِ النَّاسِ لَمْ يَجِدْ لَهَا آدَاءً وَلَا وَفَاءً ثُمَّ يُقَالُ لِلَّذِي يَجُرُّ أَمْعَاءَهُ مَا بَالُ الْأَبْعَدِ قَدْ آذَانَا عَلَى مَا بِنَا مِنَ الْأَذَى فَيَقُولُ إِنَّ الْأَبْعَدَ كَانَ لَا يَبَالِي أَيْنَ أَصَابَ التَّبُولُ مِنْ جَسَدِهِ ثُمَّ يُقَالُ لِلَّذِي يَسِيلُ فُوهُ قَيْحاً وَ دَمًا مَا بَالُ الْأَبْعَدِ قَدْ آذَانَا عَلَى مَا بِنَا مِنَ الْأَذَى فَيَقُولُ إِنَّ الْأَبْعَدَ كَانَ يَحَاكِي يُنْظَرُ إِلَى كُلِّ كَلِمَةٍ خَبِيثَةٍ فَيَسْنِدُهَا فَيَحَاكِي بِهَا ثُمَّ يُقَالُ لِلَّذِي يَأْكُلُ لَحْمَهُ مَا بَالُ الْأَبْعَدِ قَدْ آذَانَا عَلَى مَا بِنَا مِنَ الْأَذَى فَيَقُولُ إِنَّ الْأَبْعَدَ كَانَ يَأْكُلُ لُحُومَ النَّاسِ بِالْغَيْبَةِ وَيَمْشِي بِالنَّمِيمَةِ.»<sup>۱</sup>

در این روایت، حرمت نمیمه مثل حرمت غیبت ذکر شده است.

### روایت پنجم

این روایت ششم باب ۱۶۴ است.

«وَفِي عِقَابِ الْأَعْمَالِ بِإِسْنَادٍ تَقَدَّمَ فِي بَابِ عِيَادَةِ الْمَرِيضِ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ ص أَنَّهُ قَالَ فِي خُطْبَةٍ لَهُ وَ مَنْ مَشَى فِي نَمِيمَةٍ بَيْنَ اثْنَيْنِ سَلَطَ اللَّهُ عَلَيْهِ فِي قَبْرِهِ نَارًا تُحْرِقُهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَإِذَا خَرَجَ مِنْ قَبْرِهِ سَلَطَ اللَّهُ عَلَيْهِ تَنِينًا أَسْوَدَ يَنْهَشُ لَحْمَهُ حَتَّى يَدْخُلَ النَّارَ.»<sup>۲</sup>

این سند تام نیست.

عذابی که برای نماز ذکر شده است، یک عذاب مستمر است. یعنی یک رشته عذاب برای نماز متصور شده است. از مرگ تا روز قیامت، نماز در عذاب است.

### روایت ششم

این روایت، هفتمین روایت باب ۱۶۴ است.

۱- همان، ج ۱۲، ص ۳۰۷.

۲- همان، ص ۳۰۸.



## شماره شصت: ۳۱۶۱

«وَعَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ مَاجِيلَوِيهِ عَنْ عَمِّهِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي الْقَاسِمِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْكُوفِيِّ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عَفَّانَ السَّدُوسِيِّ عَنْ عَلِيٍّ بْنِ غَالِبٍ الْبَصْرِيِّ عَنْ رَجُلٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ سَفَاكُ الدَّمِّ وَلَا مُدْمِنُ الْخَمْرِ وَلَا مَشَاءُ بِنَمِيمَةٍ.»<sup>۱</sup>

این روایت نیز از لحاظ سند، تام نیست.

### روایت هفتم

این روایت هشتم باب ۱۶۴ است.

«وَعَنْ أَبِيهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِدْرِيسَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ عَمْرِو بْنِ خَالِدٍ عَنْ زَيْدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ آبَائِهِ ع قَالَ: قَالَ عَلِيُّ ع تَحْرُمُ الْجَنَّةُ عَلَى ثَلَاثَةٍ عَلَى (الْمَنَّانِ وَ عَلَى الْقَتَّاتِ) وَ عَلَى مُدْمِنِ الْخَمْرِ.»<sup>۲</sup>

### روایت هشتم:

روایت نهم باب ۱۶۴ است.

«وَعَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ عَنِ الصَّفَّارِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ عَلِيٍّ بْنِ أَسْبَاطٍ عَنْ عَلِيٍّ بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى ع قَالَ: حَرَّمَ الْجَنَّةُ عَلَى ثَلَاثَةٍ النَّمَامِ وَ مُدْمِنِ الْخَمْرِ وَ الدِّيُوْثِ وَ هُوَ الْفَاجِرُ.»<sup>۳</sup>

### روایت نهم

«وَفِي الْمَجَالِسِ عَنْ عَلِيٍّ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبُرْقِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ التَّارِيخِيِّ عَنْ عَبْدِ الْجَبَّارِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ دَاوُدَ الشَّعِيرِيِّ عَنِ الرَّبِيعِ صَاحِبِ الْمَنْصُورِ أَنَّ الصَّادِقَ ع

۱- همان.

۲- وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۳۰۸.

۳- همان، ص ۳۰۹.



## شماره هفت: ۳۱۶۱

قَالَ لِلْمَنْصُورِ لَا تَقْبَلْ فِي ذِي رَحِمِكَ وَ أَهْلِ الرَّعَايَةِ مِنْ أَهْلِ بَيْتِكَ قَوْلَ مَنْ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ وَ مَا وَاهُ النَّارُ فَإِنَّ النَّمَامَ شَاهِدُ زُورٍ وَ شَرِيكَ إِبْلِيسَ فِي الإِعْرَاءِ بَيْنَ النَّاسِ وَ قَدْ قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنْ جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبِيٍّ فَتَبَيَّنُوا أَنْ تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ فَتُصِيبُكُمْ عَلَى مَا فَعَلْتُمْ نَادِمِينَ - وَإِنْ كَانَ يَجِبُ عَلَيْكَ أَنْ تَصِلَ مَنْ قَطَعَكَ وَ تُعْطِيَ مَنْ حَرَّمَكَ وَ تَعْفُو عَمَّنْ ظَلَمَكَ فَإِنَّ الْمُكَافَى لَيْسَ بِالْوَاصِلِ إِنَّمَا الْوَاصِلُ الَّذِي إِذَا قَطَعْتَهُ رَحِمَ وَصَلَهَا الْحَدِيثُ.<sup>۱</sup>

روایات دیگر نیز همین مضمون وجود دارد. در این روایات، عذاب و ورود به بهشت پیدا نکردن، یکی از مشترکات است.

### روایات مستدرک

روایت سوم، چهارم، هشتم، نهم همین تعبیر «لایدخل الجنة» را دارد. بعضی سندهای عامه را دارد.

مضمون «لایدخل الجنة» و «دخل النار» در ده روایت وارد شده است.

### روایت دوازدهم و سائل

«الْحُسَيْنُ بْنُ سَعِيدٍ فِي كِتَابِ الرَّهْدِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى (۳) عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِنَّ اللَّهَ أَوْحَى إِلَى مُوسَى أَنْ بَعْضُ أَصْحَابِكَ يَنْمُو عَلَيْكَ فَأَحْذَرُهُ فَقَالَ يَا رَبِّ لَا أَعْرِفُهُ فَأَحْبِبْنِي بِهِ حَتَّى أَعْرِفَهُ فَقَالَ يَا مُوسَى عِبْتُ عَلَيْهِ النَّبِيْمَةَ وَ تُكَلِّفْنِي أَنْ أَكُونَ نَمَامًا فَقَالَ يَا رَبِّ وَ كَيْفَ أَصْنَعُ قَالَ يَا مُوسَى فَزُقْ أَصْحَابَكَ عَشْرَةَ عَشْرَةَ ثُمَّ أَفْرِغْ بَيْنَهُمْ فَإِنَّ السَّهْمَ يَقَعُ عَلَى الْعَشْرَةِ الَّتِي هُوَ فِيهِمْ ثُمَّ تُفَرِّقُهُمْ وَ تُفَرِّعُ بَيْنَهُمْ فَإِنَّ السَّهْمَ يَقَعُ عَلَيْهِ قَالَ فَلَمَّا رَأَى الرَّجُلُ أَنَّ السَّهْمَ تُفَرِّعُ قَامَ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَنَا صَاحِبُكَ لَا وَاللَّهِ لَا أَعُودُ أَبَدًا.»<sup>۲</sup>

در این روایت برای ترک از نامیت، وعده ثواب داده شده است.

۱- همان.

۲- وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۳۱۰.



## دسته‌بندی روایات این باب

۱. گروهی از روایات، نام را جزء شرار می‌دانند. (روایت اول و دوم و پنجم، مستدرک نیز چنین است)

۲. گروهی از روایات، وعده ورود به جهنم یا وعده داخل نشدن به بهشت را می‌دهد.

۳. گروهی از روایات بر تارک نیمه، وعده ثواب می‌دهد.

## جمع‌بندی

غریب به ۳۰ روایت در باب نام آورده شده است. در روایات عامه، شاید بیشتر از این موارد باشد. این سی روایت، دلالت بر حرمت نیمه دارند. در بین این‌ها چند روایت معتبر است. بنابراین در اصل حرمت نیمه تردیدی نیست. ادله کتاب و قرآن، به جز یک مورد، دلالت تام نداشت. ادله روایی و عقلی تام هستند.

## فروعات بحث

### فرع اول: لغات مترادف نیمه در زبان عرب

در زبان عرب چند واژه وجود دارد که به نامی اشاره می‌کند. یکی نیمه است. نیمه مصدر است. یک واژه قنات است. این نیز تعبیر به نیمه شده است. در روایات یکی از این دو لغت آمده است. واژه سعایت نیز آمده است. یک معنای سعایت، همان نامی است. وشایت لغت دیگری است. گاهی تفریق بین الناس نیز گفته می‌شود.

سعایت و وشایت اخص از معنای مطلق نیمه است. سعایت و بشایت یعنی نامی کردن پیش یک بزرگ‌تر که باعث آسیب رسیدن به شخص می‌شود.

واژه نیمه و قناتی به معنای مطلق دوبرهم زدن است. سعایت و وشایت شکل خاص دوبرهم زدن را بیان می‌کند.

### فرع دوم

بین نیمه و مفاهیمی همچون ایذاء، کذب، غیبت، افتراء، اضرار، همز و لمز، طعن، عموم و خصوص من وجه است. نیمه مساوی هیچ‌کدام نیست. اگر نامی با یکی از این‌ها جمع بشود موجب تأکد حرمت می‌شود.



## شماره شصت: ۳۱۶۱

### فرع سوم

سخن چینی و انتقال مطلب به شخصی دیگری، غالباً موجب تفرق بین دو نفر می‌شود. نوعی تفرقه‌افکنی می‌شود. گاهی نیز این سخن چینی، در تفرق دو شخص اثر نمی‌گذارد.

سؤال این است که وقتی اثر مترتب نشود، حرام است یا نیست؟

احتمالاً این امر، حرام نیست. اگر عناوینی مثل غیبت، کذب و ... بر آن مترتب شود از همان حیث دارای حرمت است. اما از حیث نیمه حرام نیست. یک ادعا این است که مفهوم نیمه تفریق بین مردم است که در اینجا این تفریق صورت نگرفته است. یک ادعای دیگر این است که تمامی شامل این امر نیز می‌شود. اگر این ادعا را داشته باشیم، ادله از آن منصرف می‌شود.

### فرع چهارم

گاهی سخن چینی موجب به هم خوردن روابط دو نفر می‌شود. گاهی نیز روابط را قطع نمی‌کند ولی صمیمیت و گرمی را از بین می‌برد. در صورت اول، رابطه قطع می‌شود. در صورت دوم، روابط به تیرگی کشیده می‌شود.

سؤال این است که نیمه در صورت اول مطلق است، یا اینکه شامل قسم دوم نیز می‌شود و به معنای اعم است؟

به نظر می‌آید، چیزی که عرف آن را تفریق می‌داند، یا کاملاً یا در حد بالایی ارتباط قطع می‌شود. یعنی سطح در حداقلی است که همان تفریق به حساب می‌آید.

نیمه به معنای عام همان تفتین است و نیمه به معنای خاص، تفریق است. در اینجا باید قدر متیقن را بگیریم. یعنی تفتینی که موجب تفریق می‌شود. بنابراین باید گفت در جایی نیمه حرام است که موجب تفریق می‌شود و آن هم عرفاً تفریق کامل باشد.

نیمه سه مورد را شامل می‌شود:

۱. در جایی که حکم قطع باشد.

۲. در مقام سوءظن کاری کرده باشد که طرف سوءظن کامل پیدا کرده باشد.

۳. در جایی که تفرق بازتاب زیادی دارد.



## شماره شصت: ۳۱۶۱

### فرع پنجم

این مطلب یک قاعده کلی است. نسبت بین نیمه و تفریق بین الناس، عموم و خصوص مطلق است. با توجه به مطالب مذکور، بعید نیست برای اصل تفریق بین الاحبه و بین الناس به عنوان یک قاعده بزرگتر، قائل به حرمت باشیم. زیرا دوستی‌ها را قطع می‌کند. کسی که برنامه‌ریزی بکند که رابطه دو گروه، ملت، حکومت را قطع کند، این امر، امر محرمی است.

### فرع ششم

نسبت بین قاعده خاص و این قاعده عام چیست؟

یک قاعده این است که هر رابطه که باعث تفریق بین الناس می‌شود حرام است. قاعده‌ی دیگر می‌گوید که نیمه حرام است. یک احتمال این است که نسبت این‌ها اندماج و اندراج است. یعنی حرمت نیمه از باب حرمت تفریق است و این مصداق آن است.

یک احتمال دیگر این است که نسب اندراج و محض نیست. بلکه به صورت مستقل حکم دارد.

اگر حکمی که بر خاص آمده است معلل به عام بشود، از حیث همان حکم است ولی اگر معلل نشود، این دو موضوعیت دارند. اینجا نیز ما تعمیم را احراز نکردیم. بعید نیست که اینجا بگوئیم دو حکم وجود دارد. در نیمه که نوعی خاص از تفریق است یک حرمت مؤکد دارد. اگر از راه‌های دیگر انجام بشود حرام است، ولی اگر از راه زبانی باشد، حرمت مؤکد دارد.